

طلب می‌کند تا بتواند از سرمایه‌گذاری انجام شده حداکثر استفاده را ببرد. چنین افرادی، بویژه آنهایی که در تماس مستقیم با مردم هستند، یا بخش مرجع آن را اداره می‌کنند باید هم زبان‌دان باشند و هم زبان مردم را بفهمند. زبان‌دان بودن به این معناست که مسلط بر زبان رایج و نیز زبانهای که مجموعه کتابخانه حاوی آن است باشد، ولی زبان مردم را بفهمد به این معنی است که بتواند با مردم ارتباط برقرار کند. از چنان خلق و خو و سعه صدری برخوردار باشد که نه تنها مردم را از کتابخانه گریزان نکند، بلکه موجب جذب و جلب آنها شود و به ویژه جوانان و نوجوانان ساعت فراغت خود را در آن سپری کنند.

۵. بازبینی مستمر مجموعه. یکی از ویژگیهایی که می‌تواند سهم کتابخانه‌های عمومی را در توسعه فرهنگی بالا ببرد روزآمد نگاه داشتن مجموعه است. جامعه پویا و مترقی همواره در حرکت است و این حرکت و بالندگی موجب می‌شود که نیازمندیهای جدیدی داشته باشد. کتابخانه عمومی باید از چنان قدرت و پشتوانه‌ای برخوردار باشد که بتواند به نیازمندیهای جامعه پاسخ گوید، بتواند مجموعه را روزآمد کند، قدرت وجین کردن داشته باشد یا بتواند مجموعه زائد را به کتابخانه‌های دیگری که بیشتر آن را نیاز دارند برساند و یا از مجموعه‌های آنها استفاده کند. بسیار اتفاق می‌افتد که سیاستگذاران جامعه به فکر انجام اموری هستند که لازم است ذهن جامعه نسبت به آن آماده باشد.

فی المثل، تنظیم خانواده یکی از مسائل اجتماعی مورد ابتلای ماست اگر سهمی برای کتابخانه‌های عمومی به معنای واقعی کلمه قائل باشیم باید پیش از شروع این کار، این کتابخانه‌ها را با انواع مواد تبلیغی آموزشی مجهز کنیم و همان گونه که با صدا و سیما برخورد می‌کنیم و برای تبلیغات و آموزشهای آن هزینه می‌کنیم و خوب هم هزینه می‌کنیم در اینجا نیز چنین برخوردی داشته باشیم.

۶. پیش‌بینی راههای برقراری ارتباط. این که مکان کتابخانه عمومی جایی باشد که امکان دسترسی عامه به آن آسان باشد لازم است اما کافی نیست. کتابخانه باید راههای برقراری ارتباط را از طریق دیگر جستجو کند و به اطلاع عموم برساند. امروزه مسأله ارتباط مسأله مهم روز است. با ارتباط بسیاری از مسائل حل می‌شود و دانستن این که چگونه ارتباط برقرار می‌شود یک از موارد مهم است و در بعضی موارد نیاز به اندیشیدن، برنامه‌ریزی کردن و تخصص داشتن دارد. و دانستن این که مردم یک شهر و یا محل می‌توانند علاوه بر راههای موجود وقتگیر با کتابخانه برای رفع حاجت و یا حاجات خود ارتباط برقرار کنند اهمیت دارد. از طریق مکاتبه، از طریق تلفن، از طریق تلویزیون، از راه مراجعه مستقیم و تسهیلات لازمی که در این زمینه پیش‌بینی شده است همه می‌تواند زمینه‌ساز توسعه روابط و ارتباط باشد که مقوم توسعه فرهنگی است.

کتابخانه عمومی اگر فعال باشد و اگر تمهیدات لازم برای آن پیش‌بینی شده باشد می‌تواند و باید با جامعه خویش رابطه برقرار کند. یعنی باب سخن را با آن باز کند. همانند روانکاو که می‌خواهد مشکل روانی شخصی را حل کند کتابخانه عمومی می‌تواند مسائل و معضلات اجتماعی را به بحث بکشد، از مردم سؤال کند و از صاحب‌نظران پاسخ آنها را جویا شود. و در این رابطه پلی باشد بین اندیشمندان جامعه و مردم، و یا در مثلث اندیشمندان، مجموعه کتابخانه و مردم رابط کارآمد و فعالی باشد.

۷. فراهم آوردن هدایتگری و یا تبلیغات صحیح. امروزه تبلیغات رکن اساسی در ارشاد و هدایت مشتریان است. بخش اعظم سرمایه‌گذاری در هر تولیدی صرف تبلیغات آن می‌شود. کتابخانه‌های عمومی به عنوان واحدهای اطلاع‌رسانی در سطح جامعه با توجه به توان و توسعه‌شان باید مورد شناسایی قرار گیرند و چنانچه مقامات مسؤول و جامعه فرهنگی هر دو از آن انتظار دارند که در مسیر توسعه فرهنگی نقش آفرین باشد باید توانایی‌های بالقوه و بالفعل آن را به سمع مردم برسانند و بدانند که کثرت مشتری نه تنها موجب ملال نمی‌شود که خود باعث توجه مردم و مسؤولان به این کانون‌های علمی - فرهنگی می‌گردد و نقش این توجه و اقبال موضوعیت دارد.

۸. تقویت انجمن کتابخانه‌های عمومی. از آنجا که کتابخانه‌های عمومی مربوط به عموم مردم است بیش از هر سازمان دولتی دیگر به مردم نزدیک است و با مردم ارتباط دارد، لذا وجود انجمن‌ها که بویژه می‌توانند از نظر مالی و فرهنگی کتابخانه‌ها را تقویت کنند نقش اساسی دارد.

مردمی کردن کتابخانه‌ها یکی از سیاستهای کنونی دولت است و به نظر می‌رسد که در این شرایط چنانچه شهرداری‌ها که از نظر مالی خودکفا هستند به سرو سامان بخشیدن به کتابخانه‌ها چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی بپردازند قدم بزرگی در این زمینه برداشته خواهد شد.

ثريا قول‌اياغ

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

— به نظر شما کتابخانه عمومی چه رسالتی برعهده دارد؟ —

— به نظر می‌رسد انسان از لحظه‌های آغازین حیات اجتماعی خود طالب آن بوده است که حاصل کنکاشها و تجربه‌های علمی و تفکرات خود را در باب پدیده‌ها و نیز کلیه دستاوردهایش را به دیگران منتقل کند و همچنین در آنچه دیگران اندوخته‌اند سهم شود و این کار را به شهادت تاریخ با شیوه‌های گوناگون مخصوص به خود انجام داده است. آنگاه که ارتباطها بدوی بوده است و شفاهی، از دهانی به گوشی و از سینه‌ای به سینه‌ای



زمانی که خط و کتابت شگفتی آفرین شده است بر سنگ نبشته‌ای، لوحی و پاره‌پوستی و در جایی که صنعت چاپ انقلابی به پا کرده است به صورت کهکشان‌ی تا حال که ارتباطها پیچیده و پیچیده‌تر شده است.

گویی انسان به درستی به رمز دوام و بقای خود بر روی کره خاک که دانستن و بیشتر دانستن، آگاه شدن و آگاه کردن و آگاهانه گام برداشتن و دانسته‌ها را به دیگران واسپردن است پی برده و کتابخانه، این پیر سه هزار ساله، از نخستین و ساده‌ترین شکل خود تا پیچیده‌ترین و قدرتمندترین و شگفت‌انگیزترین چشم انداز آن که امروز پیش روی ماست بر محور این خواسته برحق انسان به وظیفه تاریخی خود عمل کرده است. پس طبعاً کتابخانه عمومی مکانی است که مجموعه دستاوردهای مدون معنوی انسان را ذخیره می‌کند و به مدد اندوخته‌هایش عطر آگاهی را می‌پراکند و در واقع بار انتقال میراث مدون فرهنگی را از نسلی به نسل دیگر بر دوش می‌کشد.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

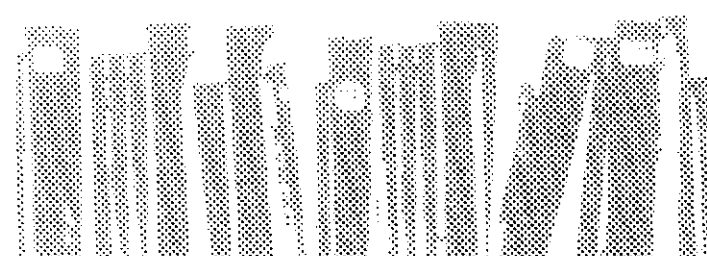
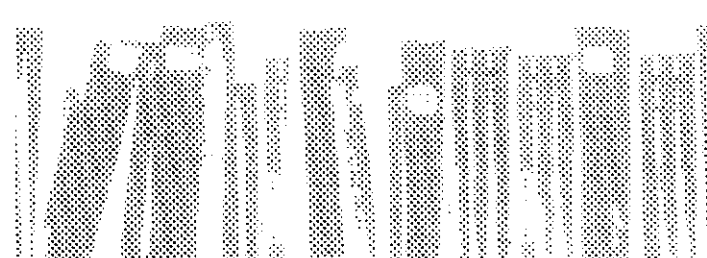
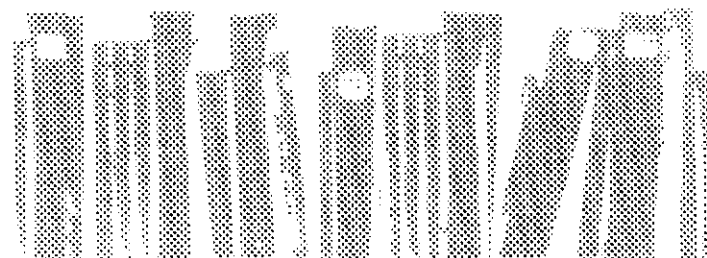
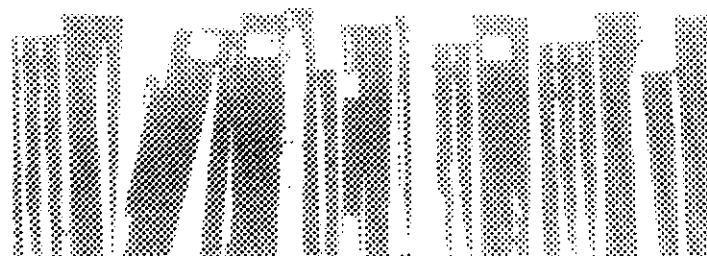
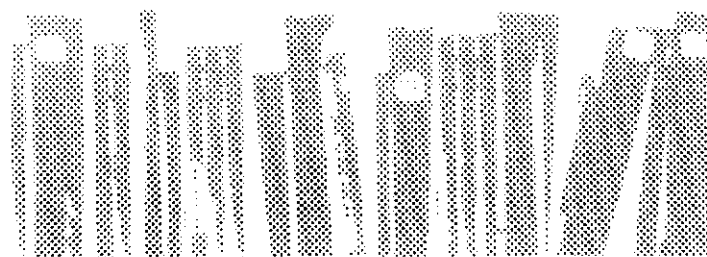
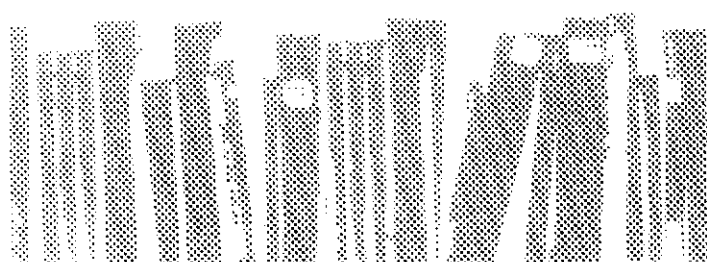
— انسان خالق فرهنگ است. یعنی بر محور وجود آدمی است که فرهنگ شکل می‌گیرد. دست انسانی گلی صحرایی را از شاخه جدا می‌کند و در گلدانی می‌گذارد و در این عمل ساده پدیده‌ای طبیعی به پدیده‌ای فرهنگی مبدل می‌شود.

بین انسان به عنوان موجودی غریزی تا انسان رشد یافته از نظر فرهنگی فاصله بسیار است. راهی دراز که نمی‌توان به تنهایی و بی توش و توان آن را پیمود.

رشد و توسعه فرهنگی مفهومی جمعی دارد، یعنی رشد جامعه در گرو رشد فرد فرد اعضای آن است. در جامعه‌ای که به درجه مطلوبی از رشد فرهنگی دست یافت است همسویی و تشکل وجود دارد، اما نه از نوع عاطفی و بدوی که خلق الساعه است و ناپایدار. همسوییها در چنین جامعه‌ای منطقی است و مبتنی بر شناخت و آگاهی. در چنین مرحله‌ای انسان ابتدا به نقش و جایگاه خود به عنوان موجودی اجتماعی در مجموعه‌ای از مبادلات پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... پی برده و در جهت دست یافتن به این جایگاه تلاشی آگاهانه و مسئولانه دارد.

چنین انسانی فعل‌پذیر نیست؛ موجودی زبون و تسلیم، تن سپرده به سرنوشتی کور که رشته حیات او را در دست دارد و او را به هر کجا که می‌خواهد می‌کشانند، بلکه موجودی است مخیر که در هر شرایطی سعی می‌کند در حالت تعادل، در تعامل با محیط و پدیده‌های ناظر بر آن قرار بگیرد، خواه این محیط طبیعی باشد خواه اجتماعی.

مسلماً چنین انسانی از محیط تأثیر می‌پذیرد، اما به موازات آن خود را از نومی آفریند و متقابلاً بر محیط تأثیر می‌گذارد یک چنین تعاملی است که انسان و به تبع آن جامعه را پیش می‌برد. و



بدین گونه این موجود ناتوان توانایی یافته تا از دهانه غارش به دل ذره راه یابد و به فتح کهکشانها موفق شود و در اندیشه گشودن راههای نرفته بسیار باشد.

در این مرحله انسان دریافته است که دست یافتن به کمال مطلوب ممکن نیست آنگاه که همسایه و همشهری، هم وطن و همنوعش در گرداب فقر و نابسامانی و ناآگاهی دست و پا می زند. رسیدن به درجه ای از پیچیدگی و نظم و نوآوری که

● حق سهم شدن در منابع آگاهی و حق دستیابی به اطلاعات، دیگر امروز حق مسلم و غیرقابل انکاری است.

● توجه خاص به کودکان و نوجوانان به عنوان نیروی باسوادی که اداره کنندگان بالقوه جامعه فردا هستند از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

انسانها را آگاهانه در کنار هم قرار دهد و همسویهایشان از سر شناخت و طبعاً پایدار باشد جامعه را به کمال مطلوب یعنی رشد فرهنگی قابل قبول رهنمون می شود.

انسان تا از پوسته حقارت منافع فرد بدر نشود و پی نبرد که سرنوشت او با سرنوشت نوعش گره خورده است و هرگز نمی تواند در حصار مرزبندی حقیرانه و مصنوعی یک خانه، یک محله، یک شهر و حتی یک مملکت به دنبال کمال مطلوب باشد و خود را با دستاوردهای فردیش دلخوش کند رشد فرهنگی افسانه ای بیش نیست.

— آیا کتابخانه عمومی تأثیری در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می شود؟

— مسلماً کتابخانه با نقشی که در انتقال میراث فرهنگ مدون به عهده دارد ضرورتاً بر توسعه فرهنگی اثر می گذارد. به عبارت دیگر رشد و توسعه کتابخانه ها در هر کشور خود یکی از مهمترین شاخصهای رشد و توسعه است. اما انتقال فرهنگی وقتی می تواند اثرگذار باشد که نه به عنوان ودیعه بلکه به عنوان یک حق تلقی و خواسته شود که آگاهی نیز همانند نان عادلانه تقسیم شود.

جامعه توده ای ماده بدون شکل نیست. مجموعه ای است از گوشت و پوست و رگ و پی و خون و تفکر و اندیشه که در پیکرهایی کوچک و بزرگ، جوان و پیر، سالم و لطمه دیده، قوی و ضعیف تبلور یافته است. این خیل عظیم رهروان همه باید به مقصد برسند، یعنی حق دارند به مقصد برسند. مقصد بالاترین درجه توانمندی در هر انسان است به فراخور حال و نیاز و قدرت.

حق سهم شدن در منابع آگاهی و حق دستیابی به اطلاعات، دیگر امروز حق مسلم و غیرقابل انکاری است. روستایی و شهری و کوچ نشین، زن و مرد، پیر و جوان و کودک، آزاد و زندانی، سالم و معلول، با سواد و کم سواد و نوسواد و حتی بی سواد، با استعداد و کم استعداد و گندهن در این قافله همگام و همراهند و در اینجا است که کتابخانه های عمومی قافله سالار این قافله نیازمند می شوند.

انجام تعهد و رسالت کتابخانه های عمومی با شیوه هایی که پائولو فریر آن را روشهای انسان گرایانه می نامد ممکن نیست. یعنی نمی توان سهم کوچکی از آگاهی را به رسم تحفه یا صدقه و از سر خیرخواهی و دلسوزی به نیازمندی بخشید. اگر طرز تلقی چنین باشد دریافت کننده باید به آنچه بسته به گرم اتفاق کننده به او می رسد بسنده کند و شکرگزار باشد و چون و چرایی هم در کم و زیاد آن نداشته باشد. اما آنچه برای به انجام رسیدن این رسالت ضروری است باز هم به روایت فریر شیوه هایی مردمی است که در جوهر خود حقی را برای فرد فرد انسانها به رسمیت می شناسد. حقی که می توان برای آن ایستاد و آن را طلب کرد و تا آخرین ذره آن را هم وصول نمود.

حق دست یافتن به منابع کسب آگاهی و رشد. ادای این حق به عهده جامعه و بخصوص آن سازمان اجتماعی است که جامعه آن را بنا می کند که در اینجا مقصود کتابخانه های عمومی است. بدین گونه است که آگاهی که عین قدرت است بین همه تقسیم می شود.

چنین است که می بینیم و می شنویم و می خوانیم که ابتدا کتابخانه های عظیم شهری و شعبه شهری و حومه شهری شکل می گیرند، واحدهای کوچک و بزرگ، ثابت و سیار روستایی و عشایری به راه می افتند و منابع اطلاعاتی را در کوله پشتی انسان، بر پشت چهار پایان، در قایق و صندوق و سبد، از زمین و هوا و دریا، دوشنبه بازارها و جمعه بازارها به دست انسانها می رساند و سپس به جایی می رسد که شهروندان بی نیاز از مراجعه مستقیم به

● انسان خالق فرهنگ است. یعنی بر محور وجود آدمی است که فرهنگ شکل می گیرد.

● کتابخانه با نقشی که در انتقال میراث فرهنگ مدون به عهده دارد ضرورتاً بر توسعه فرهنگی اثر می گذارد.

مکانهای خاص به مدد تکنولوژی پیشرفته کتابها و سایر منابع اطلاعاتی یا خود اطلاعات را در خانه و محل کارشان دریافت می کنند. درهای بسته زندانها گشوده می شود، اطلاعات راه خود را به ندامتگاهها و مراکز باز پروری می گشاید. در کنار تخت بیماران



خودی است که اولین قدم آن تربیت نیروی انسانی مولد فرهنگ و آگاه است. کتابخانه بعد از مدرسه و دانشگاه مهمترین جایی است که چنین حرکتی در آن متصور است، بنابراین نقش اساسی آنها در تربیت نیروی انسان متعهد نیاز جامعه بخصوص در شرایط بحرانی این تهاجم است.

— توسعه فرهنگی را چه تعریف می‌کنید؟

— توسعه فرهنگی در حقیقت در دو بخش تعریف و خلاصه می‌شود: الف) در بعد سرمایه گذاری انبوه در امور فرهنگی، و ب) در بعد ساختن و تربیت کردن انسان مولد فرهنگ و هنر که دستمایه اصلی عنصر فرهنگ و اصولاً انسان مولد فرهنگی است، و از طرفی مخاطب فرهنگ و توسعه فرهنگی نیز همان انسان آگاه است.

— آیا کتابخانه عمومی تأثیری در توسعه فرهنگی دارد؟ اگر پاسخ مثبت است آن تأثیر چگونه متجلی می‌شود؟

— توسعه فرهنگی به معنی سرمایه گذاری در امور فرهنگی به صورت شاخص در ساختن و توسعه کتابخانه به عنوان اولین قدم ضروری فرهنگی بار آوردن جامعه است. از سویی تربیت انسان مولد فرهنگ ابتدا باید از محیط کتابخانه‌ها شروع شود. در

● راه اساسی مبارزه با تهاجم فرهنگی توسعه فرهنگی خودی است که اولین قدم آن تربیت نیروی انسانی مولد فرهنگ و آگاه است.

● تربیت انسان مولد فرهنگ ابتدا باید از محیط کتابخانه‌ها شروع شود.

حقیقت شناسایی اولیه مخاطب فرهنگی و تحقیق در گونه‌گون فرهنگ سراسر کشور و تعیین وضعیت فرهنگی موجود در تمام سنین و طبقات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی قومی و ترسیم وضعیت مطلوب و برنامه‌ریزی اساسی جهت تأمین نیازهای فرهنگی، همه اینها در محیط و قالب کتابخانه‌ها شکل می‌گیرد. اینها همه مقوله فرهنگ به معنی خاص فرهنگی و هنری است. پرواضح است که فرهنگ به معنی کلی کلمه که علم و دانش و شعور بشری را شامل شود توسعه‌ای جز در قالب روی آوری جامعه به کتاب و نوشته و کتابخانه نیست.

— برای ایجاد پیوند مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— سرمایه گذاری گسترده دولت و بخش خصوصی در این زمینه و توسعه روزافزون واحدهای کتابخانه در سراسر کشور و

حضور پیدا می‌کند، تغییر شکل می‌دهد تا آنها که از نقصی رنج می‌برند نیز بتوانند در آن سهم شوند و حتی در خانه سالمندان تا آخرین نفس سعی می‌شود که آگاهی را به تساوی تقسیم کنند.

— برای ایجاد پیوندی مؤثر میان کتابخانه عمومی و توسعه فرهنگی چه پیشنهادی دارید؟

— هرگونه سرمایه گذاری فرهنگی که در آن گسترش سواد و خواندن و فراهم آوردن امکان دستیابی افراد جامعه به منابع دانش و آگاهی ندیده گرفته شده باشد هرگز به اهداف پیش‌بینی شده خود دست نخواهد یافت.

داشتن شبکه فعال کتابخانه‌های عمومی که چون دانشگاهی مردمی همگان را به هر طریق زیر پوشش خدماتی خود داشته باشد مستلزم پشتوانه قانونی محکم و سرمایه گذاری کلان در تجهیز و تأسیس کتابخانه‌ها و مراکز اطلاعاتی و تشویق جامعه به همگامی و همیاری است.

ابتدا باید ارزیابی جامعی از وضع موجود کتابخانه‌های عمومی کشور که توسط سازمانها و نهادهای گوناگون اداره می‌شود به عمل آید، سپس با توجه به وضع موجود در برنامه‌های زمان‌بندی شده رشد و توسعه برنامه‌ریزی‌های واقع‌بینانه و منطبق بر شرایط کشور صورت بگیرد و برای آنکه جامعه نسبت به مفید بودن کارکردهای این سازمان اجتماعی آگاهی‌های لازم را کسب نماید و داوطلبانه این تشکیلات را همراهی کند کارهای تبلیغی وسیعی صورت بگیرد و ابعاد گوناگون مسأله برای جامعه روشن شود.

در خاتمه یادآوری می‌شود که توجه خاص به کودکان و نوجوانان به عنوان نیروی باسواد که اداره کنندگان بالقوه جامعه فردا هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. خصوصاً اینکه متأسفانه در نظام آموزش و پرورش ابتدایی و راهنمایی و متوسطه، حتی پس از تجدید سازمان، کتابخانه جایگاه واقعی و درخور شأن خود را ندارد و کارکردهای آموزشی و پرورشی آن یا کلاً ندیده گرفته شده و یا تنها به عنوان مکانی برای انجام فعالیتهای فوق برنامه آن هم به طور محدود مطرح شده است.

غلامحسین کرباسچی

شهردار تهران

— برای کتابخانه عمومی چه رسالتی قائلید؟

— در واقع در حالی که جهان به سوی یک شبکه به هم پیوسته اطلاعاتی و فرهنگی پیش می‌رود، برای کسانی که به دنبال استقلال سیاسی و فرهنگی خود هستند راهی جز توسعه فرهنگی هم در بعد نیروی انسانی و هم سرمایه‌گذاری وجود ندارد. در حقیقت راه اساسی مبارزه با تهاجم فرهنگی توسعه فرهنگی